

راجع بدولت عثمانی

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلى فارسی



لوح رقم (176) امر و خلق - جلد 4

۱۷۶ - راجع بدولت عثمانی

و نیز از حضرت بهاء الله راجع به مملکت و دولت عثمانی است قوله الابهی : " فسوف تبدل ارض السّر و ما دونها و تخرج من يد الملك و يظهر الزلزال و يرتفع العویل و يظهر الفساد في الاقطار و تختلف الأمور بما ورد علی هؤلاء الاسراء من جنود الظالمین و يتغير الحكم و يشتد الأمر علی شأن ینوح الكثیر فی الهضاب و تبکی الاشجار فی الجبال و یجری الدم من کلّ الاشياء و ترى الناس فی اضطراب عظیم سوف یحرق الله اكبادهم من النار انه اشدّ المنتقمین "

و در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ : " یا معشر الروم نسمع فیکم صوت البوم تأخذکم سكر الهوى ام کنتم من الغافلین یا ایها النقطه الواقعة فی شاطی البحرین قد استقرّ علیک کرسی الظلم و اشتعلت فیک نار البغضاء علی شأن ناح بها الملاء الاعلی و الذین یطوفون حول کرسی رفیع نری فیک الجاهل یحکم علی العاقل و الظلام یفتخر علی النور و انک فی غرور مبین اعترتک زینتک الظاهرة سوف تفتنی و ربّ البریه و ینوح البنات و الارامل و ما فیک من القبائل کذلک ینبئک العلم الخبیر "

و در سورة الملوک است قوله الاعلی : " فسوف یظهر الله قوماً یدکرون ایامنا و کلّ ما ورد علینا و یطلبون حقنا عن الذین هم ظلمونا بغير جرم و لا ذنب مبین و من ورائهم کان الله قائماً علیهم و یشهد ما فعلوا و یأخذهم و انه اشدّ المنتقمین "



ORIGINAL

و در لوحی است قوله الاعلی : " اذا قيل لهم بأی جرم حبستم الذی به افتّر ثغر الايمان و ظهرت آية الرحمن قالوا قد تحقّق أنّه اراد أن یبدّل سنن الله و دینه و لیس له علينا من فضل بل نراه من المفسدین کذلک قال امم امثالکم قد اخذناهم بما قالوا و جعلناهم عبرةً للمتبرّصین سوف نأخذ هؤلاء کما اخذنا الذین کان اشدّ منهم قوّة انّ ربّک هو المقتدر علی ما یشاء و الحاکم علی ما یرید "

و در لوح خطاب بشیخ محمد باقر اصفهانی است قوله الاعلی : " فانظروا فی ملک الروم أنّه ما اراد الحرب ولكن ارادها امثالکم فلما اشتعلت نارها و ارتفع لهیبا ضعفت الدولة و الملة یشهد بذلك کلّ منصف بصیر و زادت ویلاتها الی أن اخذ الدخان ارض السّر و من حولها لیظهر ما انزله الله فی لوح الرّیس کذلک قضی الامر فی الکتاب من لدی الله المهیمن القیوم "

و در لوح خطاب بصدر دولت عثمانی قوله الاعلی : " کفی از طین عند الله اعظم است از مملکت و سلطنت و عزّت و دولت شما ولو یشاء لیجعلکم هباءً منبثاً و سوف یأخذکم بقهر من عنده و یشهر الفساد فیکم و یختلف ممالککم اذا توحون و تتضرّعون و لن تجدوا لانفسکم من معین و لا نصیر این ذکر نه از برای آن است که متنبّه شوید چه که غضب الهی آن نفوس را احاطه نموده ابدأً متنبّه نشده و نخواهید شد ... چند مرتبه بلاء بر شما نازل که ابدأً التفات نمودید یکی احتراق که اکثر مدینه بنار عدل سوخت چنانکه شعرا قصائد انشاء نمودند و نوشتند که چنین حریق تا بحال نشده معذک بر غفلتتان افزود و همچنین ویا مسلط شد و متنبّه نشدید و لکن منتظر باشید که غضب الهی آماده شده زود است که آنچه از قلم امر نازل شده مشاهده نمائید "

و در اثری از خادم الله ۵ جمادی الاولی سنه ۱۲۹۳ خطاب بحاجی محمد اسمعیل ذبیح کاشانی : " از اخبار جدیده اینکه این ایام مفاد آیات منزله در لوح رئیس که حین خروج از ارض سرّ مخصوص آن حضرت از سماء مشیت ربانیّه نازل شده ظاهر قوله عزّ کبریائه : فسوف تبدّل ارض السّر و ما دونها و تخرج عن ید الملک و یشهر الزلزال و یرتفع العویل و یشهر الفساد فی الاقطار و تحتلف الامور بما ورد علی هؤلاء الاسراء من جنود الظالمین الی آخر قوله تعالی و همچنین ما نزل فی الکتاب الاقدس قوله تعالی : یا ایها النّقطة الواقعة فی شاطئ البحرین قد استقرّ علیک کرسیّ الظلم و اشتعلت فیک نار البغضاء علی شأن ناح بها الملاء الاعلی و الذین یطوفون حول کرسی رفیع نری فیک الجاهل یحکم علی العاقل و الظلام یفتخر علی النور و انک فی غرور مبین أعزّتک زینتک الظاهره سوف تفتنی و ربّ البریة و تنوح البنات و الارامل و ما فیک من القبائل کذلک ینبئک العلیم الخبیر انتهى از قراری که در اضطراب مدینه کبیره نوشته اند سه نفس از خوف هلاک شده اند بدون صدمه ظاهره دیگر ملاحظه فرمائید چه واقع شده فاعتبروا یا اولی الابصار "

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : " اما مسأله واقعه بین البحرین آن است که واقع شد سریر ظلم در هم شکست ولی هنوز استقرار نیافته است دعا کنید که انتظام و استقرار یابد "

و در اثری دیگر خطاب بزین المقرئین : " از اخبار جدید ارض سرّ و ما حولها را تصرف نمودند قد ظهر کلّ ما انزله الله فی الالواح البتّه سورہء رئیس نظر مبارک هست باری در آن صفحات تحت هر شجره خون ریخت و صیحه و ضجیح عباد از ارامل و غیره از اتلال و جبال و مدن و قری مرتفع شد انّ القلم لا یقتدر ان یقوم بوصف ما ورد فیها انّ سورۃ الرئیس اخبرنا بما حدث فیها بعد از ورود مسقف بأدرنه از ساحت اقدس مناجاتی نازل شد و امر فرمودند اصحاب بخوانند قال و قوله الحق : هذا مع علمی بأنّ الخلف شبه السلف هذه سورۃ ما نزل من القلم الاعلی هو المقتدر علی ما یشاء باسمه المهیمن علی الأسماء یا الهی الرحمن و المقتدر علی الامکان أسألك بنفسک بأن تحفظ السلطان ثمّ أسألك بأن لا تنظر الیه و جریرات من سبقه فی الملک بل الی بحر جودک و سماء فضلک و شمس الطافک ای ربّ کفّ عنه اکفّ السوء بالید الّتی جعلتها فوق ایادی خلقک انّک انت المقتدر المتعالی العلیم الحکیم انتهی از این کلمات مبارکات چنین مستفاد میشود که فرجی از برای سلطان میشود ولكن این بعد از خسران عظیم است که وارد شده و میشود "

و در سفر نامهء امریکاست در جواب سؤال شخصی از وضع عثمانی قوله : " منتظر وقوعات خوش از آن شطر نباشید ... کتاب مبین در دست مبارک بوده و اندازات بعبد العزیز و خبر انقلاب امور و انتقال ادرنه را شرح میدادند و آن مواعید الهیه را حتمی الوقوع میفرمودند "

و در سفر نامهء اروپاست قوله العزیز : " جمال مبارک پنجاه سال پیش که ابدأ این نقشه‌ها نبود حکم فرمود که باید از اروپا بیرون روند لابد است چنین شود "